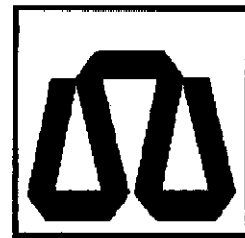




چهار مقاله

- حقوق بشر و آزادی‌های عمومی از دیدگاه امام خمینی (ره)
- هم‌سنجی دو قانون اساسی با یک اعلامیه جهانی حقوق بشر
- ظهور اولین نهاد جزایی در عرصه بین‌الملل
- جنگ افزارهای هسته‌ای؛ از تهدید تا محیط زیست



پژوهش حقوقی

■ حقوق بشر و آزادی‌های عمومی از دیدگاه امام خمینی (ره)

محمد رضا کاوسی

تسخیم اجرای مقررات حقوق بشر و آزادی‌های عمومی از دیدگاه حضرت امام (ره) مطالعه می‌کنیم: دموکراسی سیاسی (حکومت مردمی) دموکراسی اجتماعی، نقش دستگاه قضائی کارآمد، آگاهی و تحرک سیاسی مردم و نقش آزادیبخش تقوا.

۱- دموکراسی سیاسی (حکومت مردمی)
۱-۱- مفهوم حکومت مردمی (دموکراسی)
یکی از بهترین ابزارهایی که با تکیه بر آن

یکی از مسائل مهمی که همواره ذهن اندیشمندان مسائل حقوقی و سیاسی را به خود مشغول داشته است، یافتن راه‌هایی برای حصول اطمینان از تحقق قوانین و مقررات حقوق بشر و آزادی‌های عمومی در جامعه بوده است. در همین زمینه، مؤلفه‌هایی همچون دموکراسی سیاسی، دموکراسی اجتماعی، قانون اساسی مکتوب، وجود دستگاه قضائی و تفکیک قوا مطرح شده‌اند. ما در این مقاله، نقش موارد زیر را در

که مردم درباره آن دارند، سازگار نیست. از نظر شومپتر، دمکراسی روشی سیاسی است که تنها نقش و مسئولیت مردم در آن، این است که، از میان کاندیداهای مختلف، دست به گزینش بزنند و حکومت را «تولید کنند». انتخاب کنندگان باید از هرگونه کوششی برای تأثیرگذاری بر اقدامات برگزیدگان خود اجتناب کنند.

اما از نظر حضرت امام (ره) جمهوری اسلامی از مردم است و... رهین همین مردم عادی کشور است.^۱ ایشان به مسئولان کشور وصیت می‌کنند که «خود را از مردم و آنان را از خود بدانند».^۲ این دیدگاه، ما را به سوی مفهوم «مردم حاکم» سوق می‌دهد. از طرف دیگر، از نظر حضرت امام (ره) «آن دمکراسی که در اسلام هست، با این دمکراسی معرف اصطلاحی که دولت و رؤسای جمهوری و سلاطین ادعا می‌کنند، بسیار فرق دارد».^۳ این دمکراسی با تفسیر صحیح قوانین اسلام جلوه پیدا می‌کند:

«اسلام بسیاری از قوانینش با نظرهای خاص انعطاف دارد و می‌تواند تضمین همهٔ انهای دمکراسی را بکند».^۴

می‌توان به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های عمومی در یک جامعه سیاسی امید بست. وجود یک حکومت مردمی (دمکراتیک) در آن جامعه است. بدون شک، حکومتی که براساس خواست عمومی تشکیل شده باشد، نمی‌تواند نسبت به حقوق انسانی افراد جامعه بی‌تفاوت باشد.

اما نخستین مسئله‌ای که با آن روبه‌رو می‌شویم این است که حکومت مردمی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد. با مطالعه تاریخ نظری دمکراسی و بررسی آرای طرفداران آن، نمی‌توان جواب قاطع و جامعی به این سؤال داد. بنا بر نظر حضرت امام (ره) در غرب و شرق، برداشت‌های متفاوتی از مفهوم دمکراسی شده است، به گونه‌ای که نمی‌توان حکومتی را به‌عنوان «حکومت دمکراتیک نشان کرد که مورد اتفاق همه باشد. به‌طور کلی، تاریخ اندیشه دمکراسی، بفرنج و پیچیده و تاریخ دمکراسی‌ها گنجینه‌کننده است».^۱

یکی از جدیدترین مدل‌های دمکراسی غربی، را ژوزف شومپتر (۱۸۸۳-۱۹۴۶) ارائه کرده است. او تحت تأثیر مارکس و بر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) که مدلی فوق‌العاده محدود از دمکراسی عرضه داشته است، معتقد است که باید «دولت حاکم» را از «مردم حاکم» جدا ساخت و دمکراسی را نه حکومت مردم، بلکه حکومت سیاستمداران دانست. زیرا سیاست، حرفه و تخصصی است که با روحیهٔ آسیب‌پذیر و تحلیل‌های کودکانه‌ای

۱. دیوید هلد، مدل‌های دمکراسی، ص ۱۳.

۲. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۰۱.

۳. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۳.

۴. صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۱۲۳.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۲۲.

حقوق

۱-... اصول دموکراسی و آزادی در تضاد
بنیادی با این رژیم [پهلوی] و با وجود
خود شاه [که مقامی غیرانتخابی و
غیرمسئول است] هستند.^۱

ولی با کسار رفتن آن مقام‌های
غیرانتخابی، دموکراسی و جمهوری اسلامی
برقرار می‌شود [که] در این جمهوری، یک
مجلس ملی مرکب از منتخبان واقعی مردم
امور مملکت را اداره خواهند کرد.^۲ چنین
مجلسی قادر خواهد بود که جلو
سوءاستفاده از قدرت را بگیرد و نگهبان
آزادی باشد.^۳

ب- ادواری بودن زمامداری
از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند نظام حقوق
بشر را در یک جامعه سیاسی با خطراتی
مواجه کند، قرار گرفتن زمامداران آن جامعه
در یک موقعیت ثابت و تبدیل شدن به یک
نیروی غیرقابل تغییر است. در صورتی که
اگر مردم برای جایگزینی زمامداران با
موانعی روبه‌رو نباشند، قادر خواهند بود
زمامدارانی را که عملکرد شایسته‌ای در
زمینه تضمین حقوق و آزادی‌های مردم
نداشته باشند، در دوره‌های بعد انتخاب
نکنند:

۱-۲- رابطه حکومت مردمی با تحقق
حقوق بشر و آزادی‌های عمومی
حکومت مردمی به دلیل داشتن دو ویژگی
برجسته، می‌تواند در حفظ و حمایت از
حقوق و آزادی‌های اساسی صاحب نقش
باشد. این دو ویژگی عبارتند از: انتخاب
زمامداران از میان توده‌های مردم و ادواری
بودن زمامداری.

الف- برآمدن زمامداران از میان توده‌های مردم
یکی از مشخصات بارز حکومت اسلامی
آن است که زمامداران از میان مردم
برمی‌خیزند و حکومت تشکیل می‌دهند.^۱
برخاستن زمامداران از میان جامعه براساس
این اندیشه است که «سیاست یک ارثی
نیست که مال دولت باشد، مال مجلس باشد
یا مال افراد خاصی باشد، سیاست معنایش
اداره کشور و وضعی است که در کشور
می‌گذرد و همه مردم کشور در این معنا حق
دارند».^۲

هرگاه قدرت سیاسی به اتکای آرای
عمومی در اختیار زمامداران قرار گیرد و
زمامداری به صورت حاکمیت مردم ظهور
کند، این امید وجود دارد که حکومت به
شیوه‌های آزاد و دموکراتیک عمل کند که در
آن، حداکثر آزادی‌ها برای نیل به اهداف
فردی و اجتماعی منظور شود.^۳ اما در
صورتی که مردم از این حق محروم باشند،
حاکمیت زمامداران، رنگ استبدادی به خود
خواهد گرفت و آنها توجهی به حقوق و
آزادی‌های مردم نخواهند کرد.

۱. همان، ج ۱۶، ص ۲۶۵.

۲. زن از دیدگاه امام خمینی، ص ۷۵. (مربوط به تاریخ
۵۸/۶/۲۶).

۳. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج اول، چاپ
سوم، ص ۷۹.

۴. صحیفه نور، ج ۲، ص ۵۰.

۵. همان، ص ۲۵۵.

۶. دیوبند ملد، پیشین، ص ۱۲۸.



دملت ایران حالا، باید اسرنوشتش | به دست خودش باشد... ما حالا فرض کنيد اجتماع کردیم و یک نفر را رئیس جمهور کردیم، این صحیح است | حالا اگر همه ما مجتمع شدیم که مجلس مؤسسان درست کردیم، مجلس مؤسسان حق دارد که سرنوشت این ملتی | را | که الان موجود هست، تعیین کند... این گروه‌هایی | از مردم | که در صد سال دیگر در اعقاب شماها می آیند، اینها ملت ایران الان نیستند، من نمی توانم سرنوشت آنها را تعیین کنم.^۱

البته در صورتی که ادواری بودن زمامداری همراه با ایجاد سنت‌های صحیح سیاسی باشد، نتایج درخشان‌تری به بار خواهد آورد:

«حکومت باید خودش | وضع را | طوری درست بکند که وقتی منتقل شد به نسل آتی، تواند برخلاف رفتار کند. رئیس جمهور جسوری رفتار کنند که وقتی یکی دیگری رئیس جمهورشان شد، تواند خلاف کند و همین طور سایرین | در | مجلس یک کاری بکنند که وقتی مجلس دیگری تحقق پیدا کرد، تواند رویه‌اش را تغییر بدهد.»^۲

اجتماعی و تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی آن است که بهره‌مندی از پاره‌ای خدمات اجتماعی و توانایی‌های اقتصادی، از شرایط لازم برای برخوردار شدن از حقوق فردی و اجتماعی است. به همین دلیل باید گفت که دمکراسی سیاسی و دمکراسی اجتماعی، مکمل یکدیگرند؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد دمکراسی سیاسی - به مفهوم صحیح آن - تحقق نخواهد یافت؛ مگر آن‌که این دو با هم به اجرا در آیند. خطای دمکراسی سیاسی در گذشته این بود که شرایط مادی را که لازمه اجرای آزادی است، در نظر نمی‌گرفت. دمکراسی اجتماعی به همان اندازه که برای رفع این نقیصه می‌کوشد، دمکراسی سیاسی را هم بسط داده، آن را به سوی یک رژیم مبتنی بر آزادی سوق می‌دهد.^۳

آیزیا برلین (از استادان تاریخ عقاید دانشگاه آکسفورد) با اشاره به داستان دردناک فردگرایی اقتصادی و رقابت سرمایه‌داری در قرن ۱۸ و ۱۹ می‌نویسد: «سیاست لگام گسیختن بگذارید بکنند و سیستم‌های حقوقی و اجتماعی که اجازه دادند چنین سیاستی مطرح شود و آن را تشویق کردند، آزادی منفی یعنی حقوق اولیه انسانی را - که همیشه جنبه منفی دارد

۱. صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۵۱.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۲۰۹.

۳. مورس دو ورژ، رژیم‌های سیاسی، ص ۲۸.

۲- دمکراسی اجتماعی

منظور از وجود رابطه بین دمکراسی

حقوق

و به منزله حایلی در برابر ستمکاران تلقی می‌شود - در معرض تجاوزات شدید قرار دادند و آزادی بیان و اجتماعات را از میان بردند.^۱

اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) نیز براساس وضع حقوقی منفی تدوین شد. وضع حقوقی منفی فقط در پی حمایت فرد در برابر ترک‌تازی دولت است و آن، مجموعه آزادی‌هایی است که در نهایت در یکی از حقوق شهروندان متبلور شده، تا مصراً بخواهد که دولت در هیچ قلمروی که قانون مصراً به آن اجازه نداده، دخالت نکند. در کشورهای غربی، اندیشه یک وضع حقوقی مثبت یعنی این‌که فرد از دولت، انجام اعمالی را درخواست کند، در مراحل بعدی هویدا شد.^۲ این تحول، از نظر دانشمندان غربی یک فلسفه اجتماعی جدید است؛ زیرا به دولت نقش فعالی در تکامل و پیشرفت (حقوق) اجتماعی می‌دهد^۳ و دولت را مکلف می‌کند که تحقق تمام یا بیشتر این حقوق را بر عهده گیرد.^۴ در همین راستا بود که در این کشورها حقوقی مانند حق کار، آموزش رایگان، بهداشت، فراغت و استراحت و بهره‌گیری از تأمین اجتماعی را برای افراد پذیرفتند.^۵

با توجه به آنچه گفته شد، اگر استقرار دمکراسی اجتماعی را به مفهوم تلاش دولت برای عینیت بخشیدن به حقوق اقتصادی و اجتماعی مردم از طریق حل مسائلی چون تأمین شغل، سوادآموزی،

مسکن، تأمین امنیت توده‌های مردم بدانیم، به مفهوم عدالت اجتماعی، که از نظر حضرت امام (ره) اهمیت فراوانی دارد، نزدیک می‌شویم. از نظر ایشان «پیغمبر اسلام (ص) [هم] تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی»^۶ «و ما آرزوی یک همچو حکومتی را مانند حکومت حضرت علی (ع) داریم، یک حکومت عادل که نسبت به افراد رعیت علاقه‌مند باشد، عقیده‌اش این باشد که باید من نان خشک بخورم که مبادا یکنفر در مملکت من زندگیش پست باشد»^۷ حضرت امام (ره) سنت سیاسی حضرت امیر (ع) را الگوی خود قرار داده‌اند و همواره بر تمسک به مقام ولایت آن حضرت، تأکید کرده‌اند؛ این تمسک بدان معناست که یک دولت «آن عدالتی (را) که امیرالمؤمنین (ع) اجرا می‌کرد، این هم به اندازه قدرت خویش اجرا کند»^۸ ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند:

«این یکی از الطاف بزرگ خدا بود که حکومت جمهوری اسلامی را و متصدیان امور [جمهوری] اسلامی را

۱. آیزایا برلین، چهار مقاله درباره آزادی، ص ۵۷.

۲. روبرهلو، شهروند و دولت، ص ۱۰.

۳. واندر مرجع و ژ. گانزوف، حمایت حقوق بشر در

حقوق اساسی، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۱۰.

۵. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی،

ص ۶۲۳.

۶. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی، ص ۱۰.

۷. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۹.

۸. همان، ج ۱۸، ص ۱۲۷.



از قشر مرفه و از آن اشراف و اعیان و سلطنتها و ملکها و اینها قرار نداده.^۱ روشن است که وقتی چنین افرادی بر مردم حاکم شوند، دیگر سخن گفتن از عدالت اجتماعی معنایی نخواهد داشت و مردم فرصت اندیشیدن درباره مسائلی همچون آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق شرکت در انتخابات آزاد و مانند آنرا نخواهند داشت. در چنین وضعیتی، معمولاً تأمین معیشت زندگی، دغدغه روزانه آنهاست.

در قانون اسلام به طوری به قضاوت و گرانی بار آن و بزرگی مقام قاضی اهمیت داده [شده] که در کمتر چیزی آنگونه سفارشها کرده، تا آنجا که حضرت امیرالمؤمنین (ع) به شریح قاضی میگوید تو در یک مجلسی نشستی که در آن مجلسی نمی نشیند مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر یا کسی که شقی باشد...^۲

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زیر عنوان «قضاء در قانون اساسی» هم آمده است:

«مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی. از این رو ایجاد سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت پشادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد (و اذا حکمتم بین الناس این تحکوما بالعدل).^۳»

۳- نقش دستگاه قضائی کارآمد در حمایت از حقوق و آزادیها

۱-۳- اهمیت دستگاه قضائی

وجود یک دستگاه قضائی کارآمد که به حراست از حقوق فردی و اجتماعی پردازد^۴ از ضروریات یک جامعه سیاسی است. با شناخت جایگاه و کارایی دستگاه قضائی یک کشور، می توان از میزان تحقق حقوق مردم در آن جامعه آگاهی یافت. هر اندازه دستگاه قضائی کارآمدتر باشد، امید مردم در رسیدن به حقوق نقض شده شان بیشتر است. موازین حقوق بشر و آزادیهای اساسی، غالباً در جامعه ای بیشتر پایمال می شود که دستگاه قضائی آن ضعیف و ناتوان است. با ملاحظه همین نکات است که در جامعه اسلامی به قضات به عنوان کسانی نگریسته می شود که در «حساس ترین مکان نظام»^۵ خدمت می کنند:

۱. همان، ج ۱۶، ص ۲۶۴.
 ۲. در همین رابطه در اصل (۲) ۱۵۶ ق.ا.ج.ا. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع، از جمله وظایف فره قضائیه اعلام شده است.
 ۳. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۲۵.
 ۴. امام خمینی، کشف الامراره، ص ۲۹۷.
 ۵. نساء، ۵۸/ (۴)

۲-۳- استقلال دستگاه قضائی

یکی از شرایط لازم و مهم برای کارآمد بودن دستگاه قضائی، استقلال آن است. براساس تجربیات تاریخی، قوه قضائیه پیوسته در معرض نفوذ مقامات و اشخاص و دستگاه‌های مختلف قرار دارد؛ وضعیتی که می‌تواند به تضعیف این قوه در حراست از حقوق اجتماعی بینجامد. در همین رابطه، حضرت امام (ره) می‌فرماید:

«قوه قضائیه که سلجا و پناه مردم ستندیده است، قوه‌ای است مستقل و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد و اگر کسانی پیدا شوند که ندانسته در امور قضائی دخالت می‌کنند، نباید بدانند که برخلاف دستورات شرعیه و نظام جمهوری اسلامی عمل کرده‌اند و اگر دانسته تخلف می‌کنند، مستحق عقاب و تعقیب‌اند و بر دولت و قوای اجرائی است که از تجاوز و تخلف هر کس در هر جا جلوگیری کنند و کسانی که پس از احضار به محاکم قضائی از حضور در آن سرپیچی می‌کنند، باید مورد تعقیب واقع و تمیز شرعی شوند و کسانی که از آن حکم قضایات شرعی تخلف می‌کنند و در مقابل آن مقاومت می‌کنند، برخلاف اسلام و امر خداوند عمل کرده‌اند و باید مورد تعقیب واقع شوند و کسانی که از قاضی شکایت دارند، یا به حکم قاضی اعتراض دارند، باید به مقامات

صالحه رجوع نمایند و به هیچ وجه خودسرانه عملی را انجام ندهند و باید بدانند که احکام صادره از قضات شرعی، مادامی که برخلاف شرع بودن آن در محاکم و مراجع صالحه ثابت نشده، واجب‌العمل است. مجلات، روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی توجه داشته باشند که تضعیف قوه قضائیه، برخلاف موازین اسلامی است. از پخش چیزهایی که موجب تضعیف یا توهین مقام قضاست، احتراز کنند...»^۱

۳-۳- گزینش قضات شایسته

آنچه در قسمت بالا توضیح داده شد، به روابط دستگاه قضائی با عوامل بیرونی مربوط می‌شود، اما آنچه در اینجا مورد توجه است، مسائلی است که به شرایط فردی قضات و نحوه کار آنان ارتباط دارد. به طور قطع، ویژگی‌های اخلاقی و روحی قضات، تأثیر مهمی بر کارایی دستگاه قضائی در حفظ حقوق فردی و اجتماعی دارد. وضع شرایطی برای قضات مانند ایمان، عدالت و طهارت مولد که در فقه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، برای تحقق حقوق مراجعان به محاکم کاملاً ضروری است.^۲

یکی از ویژگی‌های لازم دیگر برای قاضی، قاطعیت قاضی است. قاضی باید از

۱. ابوالفضل قاضی، پیشین، ص ۶۰۷.

۲. صحیفه لوره، ج ۱۸، ص ۲۳۴.

۳. تهریر الوسیله (ترجمه فارسی) ج ۴، ص ۸۹.

استحراز نمی‌کردند، آنها را ناتوان از احقاق حقوق مردم می‌دانستند.^۳

۴- آگاهی و تحرک سیاسی مردم ۴-۱- آگاهی سیاسی

حضرت امیر(ع) به کمیل می‌فرمایند:
«ای کمیل هیچ حرکتی نیست مگر این‌که نیازمندی حکم آن را بدانی»^۴
و امام محمد باقر(ع) اظهار می‌دارند:
«هر که معرفت یافت این معرفتش او را به سوی عمل راهنمایی می‌کند و هر که معرفت نداد، عمل ندارد»^۵
بر همین اساس، حضرت امام(ره) شناخت مبانی اسلام را به جوانان توصیه می‌کنند:

«باید جوانان روحانی و دانشگاهی، قسمتی از وقت خود را صرف کنند در شناخت اصول اساسی اسلام که در رأس آن، توحید و عدل و شناخت انبیای بزرگ، پایه‌گذاران عدالت و آزادی است»^۶

زیرا شناخت اصول اسلام و از جمله سنت‌های سیاسی آن، موجب می‌شود که مردم از روح مردمی بودن حکومت اسلامی

چنان شهادتی در احقاق حقوق اصحاب دعوی برخوردار باشد که نه از تهدیدهای دیگران هراسی به خود راه دهد و نه ملاحظه مقام اداری دیگران را بکند:

«قاضی باید یک آدم قاطعی باشد»^۱

چنین قاطعیتی موجب می‌شود که قاضی به طرفین دعوی با چشم یکسان بنگرد و فضای بی‌تبعیضی را که قانون ترسیم کرده است، در عمل فراهم کند؛ هر چند یک طرف دعوی مقام رسمی باشد:

«حضرت امیرالمؤمنین علی‌بن

ابی‌طالب(ع) که حاکمیت بر یک

صحنه بزرگ، یک ممالک بزرگ از

عربستان سعودی گرفته تا مصر، عراق

و سوریه و سایر جاها را داشته است.

همین قاضی که خودش قرار داده برای

قضا، وقتی که یک نفر، یهودی به او

دعوی کرده است و ادعا کرده است

چیزی را، قاضی او را خواسته و او هم

آمده است در محضر قاضی و با

یهودی در عرض هم نشسته‌اند و

دادخواهی شده است و قاضی حکم

برخلاف [درخواست] حضرت امیر

سلام‌الله علیه یعنی حکومت وقت

کرده است و [اکتون] ما آرزوی یک

همچو حکومتی داریم»^۲

شرط ضروری دیگر برای قاضی، عادل

بودن اوست. حضرت امام(ره) با اشاره به

وضع قضات دوران رژیم طاغوت که حتی

از شرب مسکرات و رفتن به مجالس فاسد

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۵۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۹.

۳. امام خمینی، کشف‌الاسرار، ص ۲۹۸.

۴. «ایا کمیل ما من حركة الاوانت محتاج فیها الی معرفة»
تحف‌المقول، ص ۱۶۵.

۵. «من عرفه داته معرفة علی‌العقل و من لم یعرف فلاصل له» همان، ص ۳۰۴.

۶. صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۸.

آگاهی بایند و در نتیجه، نگذارند که رژیم‌های استبدادی بر آنها حاکمیت کنند:

«اگر قشرهای جهان از هر طبقه که هستند، جهت حکومت اسلام را که با کمال تأسف جز چند سالی در زمان پیغمبر اسلام (ص) و در حکومت بسیار کوتاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام جریان نداشت، بفهمند، اساس حکومت‌های ظالمانه، خود به خود برچیده می‌شود»^۱

در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام (ره) بر این باور بودند که تا وقتی مردم به حقوق اجتماعی خود آگاه نشده‌اند، رژیم استبدادی پهلوی، همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد. ایشان در نامه خود به هویدا - نخست وزیر وقت می‌نویسند:

«تا این ملت به حقوق و وظیفه خود آشنا نشده، هر روز بر شما عید و شادی و برای ملت بدبختی و نکبت است»^۲

در کشور فرانسه، پس از آن که حکمایی نظیر روسو درباره آزادی و آزادیخواه و کرامت انسانی دست به تبلیغات فراوانی زدند و مردم را با این حقایق آشنا کردند، زمینه قیام عمومی علیه حکومت‌های استبدادی فراهم شد و مردم برای کسب آزادی به پا خاستند.^۳ در فرانسه در قرن هیجدهم، سازمانی به نام «جمعیت اندیشه» برای آشنا ساختن مردم به حقوق‌شان

تأسیس شد.^۴

۴-۲- تربیت و تحرک سیاسی

تمام برنامه‌های مربوط به تعالیم سیاسی بدان امید انجام می‌شود که نتایج آنها در عمل نمایان شود. اگر افراد آگاهی سیاسی داشته باشند، ولی این آگاهی‌ها راهنمای عمل آنها واقع نشود، وجود آن بی‌ثمر خواهد بود. به عبارت دیگر، افزون بر آموزش سیاسی، باید رشد لازم هم در مردم پدید آید تا به دفاع و کسب حقوق خود همت گمارند؛ حضرت امام (ره) در پیام خود در تاریخ ۵۴/۷/۲ با اشاره به جنایات شاه می‌نویسند:

«... لکن آنچه موجب امید و آرامش است، تسلیمه سپیداری ملت و رشد سیاسی طبقات مختلفه است. از رشد ملت است که نقشه‌های شوم اجانب که به دست شاه باید اجرا شود، با مخالفت ملت روبه‌رو می‌شود. رشد ملت است که با همه اوجاب و تهدید در انتخابات مفتضح شرکت نکرد، مثنی جیره خواران و بستگان به دستگاه... رشد سیاسی دانشجویان قدیم و جدید است که به تبلیغات چند صد ساله اجانب و نقشه‌های تفرقه‌انداز استعمار پشت پا زده و در صف واحد در مقابل رژیم

۱. همان، ج اول، ص ۱۶۳.

۲. علی درانی، نهضت روحانیون ایران، ص ۲۳۹.

۳. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۳۶.

۴. مهدی ابرسمیدی، میانی حقوق بشر، ص ۳۰.

ایستاده و از حقوق ملت مظلوم دفاع می‌کند و از شکنجه‌ها و حبس‌ها و محرومیت‌ها هراسی ندارد...^۱

ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره بر حضور مداوم مردم در صحنه‌های سیاسی کشور به منظور سالم نگه داشتن نظام جمهوری اسلامی تأکید کرده‌اند:

«... و آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت‌طلبی و از حیث مال‌طلبی در کشور [و] در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آن روز بدانند که علامت این‌که شکست بخوریم خودنمایی کرده، از آن وقت جلویش را بگیرند. رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند بر این مملکت، خود مردم باید جلویش را بگیرند...»^۲

۵- نقش آزادیبخش تقوی (آزادی معنوی)

منظور از آزادی معنوی آن است که قسمت عالی و انسانی انسان، از قسمت حیوانی او آزاد باشد و متأثر از آن نباشد. چنین مفهومی خاص اندیشه اسلامی است. بنابراین عقاید اسلامی، انسان یک موجود مرکب و دارای قوای گوناگون است، مثلاً انسان هم حرص و طمع دارد و هم از عقل و فطرت برخوردار است.

در زبان دین، از آزادی معنوی تعبیر به

تقوی و تزکیه نفس شده است و این بزرگترین برنامه انبیا بوده است.^۳ پیغمبران آمده‌اند تا علاوه بر آزادی اجتماعی، آزادی معنوی هم به بشر بدهند و این آزادی است که بیش از هر چیز دیگر ارزش دارد. تنها آزادی اجتماعی نیست که مقدس است، بلکه آزادی معنوی هم مقدس است.^۴

ولی در تفکر غربی که مقام انسان تا حد چرخ دنده‌های ماشین پایین آمده است، دیگر سخن گفتن از بعد روحی انسان و آزادی معنوی او بیهوده است. در نتیجه، بین آزادی معنوی و آزادی اجتماعی ارتباطی قابل نیست. تکیه فلسفه سیاسی غرب بر رئالیسم، مبین این واقعیت است که فساد در ذات خود قدرت قرار دارند، نه در درون شخص صاحب قدرت؛ لذا برای حفظ حقوق بشر و آزادی‌های عمومی باید به آرایش خود قدرت و کنترل بیرونی آن توجه داشت. لرد اکنون^۵ می‌گوید:

«قدرت به طور کلی مفسد است و قدرت مطلق، مفسد مطلق است... آدمی باید بیشتر به قدرت بدبین باشد تا ردیلت»^۶

برتراند راسل^۷ نیز در مورد کارایی

۱. صحیفه نور، ج اول، ص ۲۱۹.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۳۲.

۳. مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۲۰.

۴. همان، ص ۱۹.

۵. مورخ، فیلسوف و طرفدار جدی اندیشه کثرت‌گرایس (۱۸۳۴-۱۹۰۶).

۶. اندروز وینست، نظریه‌های دولت، ص ۲۸۲.

۷. فیلسوف و ریاضیدان معروف بریتانیایی (۱۸۷۲-۱۹۷۰).

حقوق

ضمانت اجراهای مذهبی هنوز در اندیشه غربی شناخته شده نیست. چگونه می‌توان حوادث و مسیر دینی دوران قرون وسطی را مبنای مطالعه ضمانت اجرایی مذهبی قرار داد ولی از حکومت عادلانه و مبتنی بر تقوای پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) چشم پوشید.

در هر صورت، تا وقتی که رشد مغزی بشر فعالیت‌های خود را فقط به مدیریت حیات طبیعی محض معطوف کند و دستورات ادیان و اخلاقیون و حکما را درباره تعدیل خردمندانه امیال و خواسته‌های نفسانی، افسانه‌های بی‌اساس و غیر قابل کاربرد تلقی کند، هیچ‌کدام از مواد اسناد حقوق بشر، توانایی رساندن انسان‌ها را به آن اهدافی که در این مواد حقوقی منظور شده است، ندارد.^۱

بنابراین، طبق اندیشه غربی بشر می‌تواند آزادی اجتماعی داشته باشد، بدون آن‌که از آزادی معنوی برخوردار باشد، یعنی انسانی که اسیر شهوت و خشم و حرص و آز خودش است، در عین حال آزادی دیگران را هم می‌تواند محترم بشمارد.^۲

ولی در اندیشه اسلامی، فساد در درون خود قدرت قرار ندارد. «قدرت خودش یک کمال است، خدای تبارک و تعالی قادر است، لکن اگر چنانچه قدرت به دست

ضمانت اجراهای مذهبی معتقد است:

«ضمانت اجرایی مذهبی هر چند که از جنبه نظری کافی به نظر می‌رسد، ولی در عمل غیر از این است... در عصر ایمان، یعنی در زمانی که مردم در حقیقت گمان می‌بردند که معاصی کبیره بدون توبه و استغفار، کفرش جهنم است، هرکس با مطالعه تاریخ وقایع قرون وسطی، به خوبی می‌تواند درک کند که قتل و تجاوز به عنف در آن زمان بیش از آنچه در حال حاضر در دنیای غرب معمول است، عمومیت داشته است... متألّهین روشن بین در عصر حاضر از راه تعدیل اصول و عقاید جزمی و تمصب‌آمیز در مورد گناهی که سزاوار عذاب جاودانی است، توانسته‌اند تا حد زیادی از قدرت ضمانت اجرایی پیشین [ایمان] بکاهند و حتی کسانی که هنوز آنها را قبول دارند، می‌دانند که برای اطفال و فریفتن راه‌هایی وجود دارد. بنابراین از قرائن چنین بر می‌آید که ضمانت اجرایی پیشین [ایمان] حتی در مورد مسائل مهم که بیشتر - هم مورد تأکید است، به مقیاس وسیعی موقوف الاجرا مانده است. در حقیقت، روش خاصی که به وسیله آن بتوان اطمینان یافت که که اشخاص همیشه پرهیزگار باشند، وجود ندارد.»^۱

اما واقعیت این است که کارآمدی

۱. برتراند راسل، اخلاق و سیاست در جامعه، ص ۲۰۱.

۲. محمدتقی جعفری، محقق در دو نظام حقوق جهانی

بشر از دیدگاه اسلام و غرب، ص ۶۶.

۳. گروه‌های سیاسی (در کلام امام)، ص ۳۲۵.



ششون زندگی بشر وارد شود، پیچیده‌ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می‌شود.^۱ چنین مفهومی را استاد شهید مطهری این‌گونه بیان کرده است:

«علی (ع) جمله‌ای دارد مانند همه جمله‌های ایشان با ارزش، راجع به تقوی است که به نظر بعضی‌ها دیگر خسیلی گفته شده است. می‌فرماید: ان تقوی الله... و عتق من کل ملکه... بدون تقوی، بشر آزادی ندارد...^۲ ایشان در ادامه همین مطلب متذکر می‌شود:

«آن‌کس می‌تواند واقعاً آزاد و آزادپسخت باشد که همیشه مانند علی (ع) است و یا لا اقل پیرو اوست [تا] از نفس خود حساب بکشد... آن کسی واقعاً و نه از روی نفاق و دو رویی برای حقوق و آزادی‌های مردم احترام قائل است که در دلش، در ضمیرش و در وجدانش، یک ندای آسمانی است و او را [به رعایت حقوق و آزادی‌های اجتماعی] دعوت می‌کند».^۳

□ □ □

۱. علی دوانی، پیشین، ج ۸، ص ۲۵۸.
 ۲. مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۲۲.
 ۳. همان، ص ۲۴.

اشخاص فاسد برسند، همین کمال را به فساد می‌کشانند. به همین دلیل است که وقتی افراد غیر مهذب و فاسد به زمامداری یک جامعه می‌رسند، آن جامعه رو به انحطاط خواهد رفت:

«اگر حکومت‌ها به دست جباران باشد، به دست منحرفان باشد، به دست اشخاصی باشد که ارزش‌ها را در آمال نفسانی خودشان می‌دانند، ارزش‌های انسانی را هم گمان می‌کنند که همین سلطه‌جویی‌ها و شهوات است، تا این حکومت‌ها برقرار هستند، بشریت رو به انحطاط است و اگر آمال انبیا [در برقراری عدالت اجتماعی و تهذیب نفس] در یک کشوری تحقق پیدا کند - ولو بعض آمال انبیا - آن کشور را به اصلاح می‌رود».

اما وقتی افراد تزکیه شده به مقام زمامداری برسند، تمام مشکلات جامعه انسانی و از جمله مشکل مربوط به تنظیم رابطه قدرت سیاسی با آزادی‌های عمومی حل می‌شود:

«... اسلام در کنار مقررات اجتماعی و اعتقادی و غیره به تربیت انسان براساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند. اگر به خدا و عمل برای خدا در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و سایر